



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسین طباطبائی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴

جلسه دوم؛ یکشنبه ۱۳۹۴/۶/۲۲

مناقشه در دلالت کریمه

۱. اشکال اول و مناقشه در آن

مقصود کریمه این است که اموال یتیم را خارجاً به او تحویل ندهید و دلالتی بر بطلان عقد یتیم و صبی ندارد.

جواب این اشکال واضح است و آن این که اگر معامله‌ی صبی صحیح باشد، معنایش این است که آن مبیع یا ثمن، داخل در ملک طرف مقابل شود و بالتیجه دفع خارجی باید محقق شود، در حالی که چنین چیزی طبق کریمه‌ی مذکور مورد نهی است.

۲. اشکال محقق ایروانی رحمته الله علیه

محقق ایروانی رحمته الله علیه کریمه را به گونه‌ای معنا می‌کند که هم در استدلال مذکور مناقشه می‌کند و هم این که از کریمه استفاده می‌کند بلوغ شرط نیست، بلکه استیناس رشد کافی است و در نتیجه بیع صبی رشید، صحیح است. به این بیان که:

کریمه می‌فرماید که یتامی را تا وقت بلوغ آزمایش کنید ﴿وَ اَبْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ اِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ﴾ و به

۱. حاشیه‌ی مکاسب (للایروانی)؛ ج ۱، ص: ۱۰۷

لا یبعد استفادة أن المدار فی صحّة معاملات الصّبی علی الرّشد من الآیة وَ اَبْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ اِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ اَنْسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ عَلٰی اَنْ تَكُوْنَ الْجُمْلَةُ الْاٰخِرَةَ اسْتِدْرَاكًا عَنْ صَدْرِ الْاٰیةِ وَ اَنَّهُ مَعَ اسْتِنَاسِ الرّشْدِ لَا يَتَوَقَّفُ فِی دَفْعِ الْمَالِ وَ لَا يَنْتَظِرُ الْبُلُوغَ وَ اَنْ اِعْتِبَارُ الْبُلُوغِ طَرِيقًا يَتَوَقَّفُ اَمَارَةً اِلَى الرّشْدِ بِلَا مَوْضُوْعِيَّةٍ لَهٗ.

مجرد بلوغ، اموالشان را به آنها تحویل دهید، اما عبارت «فَإِنْ أَنْسْتُمْ» که در ادامه‌ی کریمه ذکر شده، در واقع استدراک از اشتراط بلوغ است؛ به این معنا که اگر قبل از بلوغ هم استیناس رشد از آنها کردید، اموالشان را تحویل دهید. پس در واقع حکم جواز دفع مال، دائر مدار رشد است و این که بلوغ نکاح در کریمه ذکر شده، از این جهت است که بلوغ نکاح طریق و اماره برای احراز رشد است؛ یعنی اگر طفلی به حد بلوغ برسد، این علامت آن است که رشید شده است.

بنابراین کریمه بیان می‌کند جواز دفع مال، وجوداً و عدماً دائر مدار رشد است و بلوغ نکاح فقط اماره و طریقی برای احراز رشد است و خودش موضوعیت ندارد، لذا اگر قبل از بلوغ هم استیناس رشد کردید، اموالشان را به آنها تحویل دهید، کما این که اگر بعد از بلوغ هم احراز عدم رشد کردید، نمی‌توانید اموال را تحویل دهید.

مناقشه در کلام محقق ایروانی رحمته الله علیه

اولاً: لازمه‌ی کلام ایشان آن است که قید «بَلَّغُوا النِّكَاحَ» کالغو بوده و فایده‌ای نداشته باشد؛ چراکه طبق کریمه در هر جایی که توهم رشد است باید امتحان کرد و این چنین نیست که نتیجه‌ی این امتحان، مجهول باشد بلکه معلوم است؛ مثلاً یک یا چند بار به صبی پول می‌دهند تا معامله کند و ببینند آیا مصلحت مالی خود را تشخیص می‌دهد و این که فلان معامله به نفع یا به ضرر اوست؟ اگر مصلحت مالی خود را تشخیص داد، معلوم می‌شود که رشید شده است و إلا حکم به عدم رشد او می‌شود.

و این که فرمودید قید «بَلَّغُوا النِّكَاحَ» اماره باشد برای جایی که شک در رشد داشته باشیم، می‌گوییم: نیازی به این اماره نیست؛ زیرا خداوند متعال قبلاً طریق احراز رشد را بیان کرده و چیزی نیست که تخلف کند. و اگر هم در مواردی تخلف کند، چنان نادر است که با سیاق کریمه ناسازگار است که «بلوغ نکاح» را به عنوان اماره‌ی بر رشد قرار دهیم.

بنابراین اگر کلام مرحوم ایروانی رحمته الله علیه تمام باشد، قید «بَلَّغُوا النِّكَاحَ» کالغو بوده و فقط در موارد نادری که ابتلاء کارایی نداشته باشد یا اصلاً ابتلاء نکنند، می‌تواند اماره‌ی بر رشد باشد، در حالی که سیاق کریمه این است که بلوغ نکاح، به اندازه‌ی استیناس رشد یا حدود آن، أصالت و موضوعیت دارد و این گونه نیست که اماره‌ی بر رشد باشد.

ثانیاً: اشکال عمده‌ی ما بر کلام مرحوم ایروانی رحمته الله علیه این است که اخذ هر عنوانی در کلام - الا بعض

عناوین معلوم عند العرف - ظهور در موضوعیت آن عنوان دارد و رفع ید از این ظهور نیاز به دلیل دارد، پس وقتی کریمه هم بلوغ نکاح و هم استیناس رشد را ذکر می‌کند، معلوم می‌شود که هر دو عنوان موضوعیت دارد و این که یکی را طریق و اماره‌ی بر دیگری قرار دهیم، خلاف فهم عرفی اخذ آن عنوان در کلام است.

۲. تمسک به روایات برای اثبات بطلان معاملات صبی

دومین دلیلی که برای اشتراط بلوغ و در نتیجه بطلان عقد صبی ذکر کرده‌اند، تمسک به روایات است. روایات هم می‌تواند دلیل مستقلی برای بطلان معاملات صبی باشد و هم می‌تواند به ضمیمه‌ی برخی آیات، دال بر بطلان بیع صبی باشد؛ چراکه دو آیه‌ی شریفه‌ی دیگر وجود دارد که می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ»^۱ و فهم عرفی از این آیات آن است که صبی تا زمانی که به حد «أشُد»^۲ نرسیده باشد، محجور از تصرفات مالی است. مراد از «أشُد» هم در قرآن کریم خیلی واضح نیست، در جایی می‌فرماید وقتی به حد «أشُد»^۲ رسید، حکمت و علم به او دادیم که حتی بعضی گفته‌اند شاید مراد چهل سالگی باشد، ولی در مورد یتیم روایات^۳ متعددی وجود دارد که بیان می‌کند «أشده» به معنای «احتلام»

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی انعام، آیه‌ی ۱۵۲:

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْلَفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بَعْدَ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَ صَاحِبَكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»

✓ سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء، آیه‌ی ۳۴:

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»

۲. سوره‌ی مبارکه‌ی یوسف، آیه‌ی ۲۲:

«وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»

سوره‌ی مبارکه‌ی قصص، آیه‌ی ۱۴:

«وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ اسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»

سوره‌ی مبارکه‌ی احقاف، آیه‌ی ۱۵:

«وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلَهُ وَ فَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَىٰ وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنَّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»

۳. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۹۱:

و فی روایة اُخری عن عبد الله بن سنان عنه قال سأله أبی و أنا حاضر: الیتیم متى یجوز أمره- فقال: حین یبلغ أشده، قلت: و ما أشده، قال: الاحتلام، قلت: قد یکون الغلام ابن ثمانی عشرة سنة لا یحتلم- أو أقل أو أكثر قال: إذا بلغ ثلاث عشرة سنة- کتب له الحسن و کتب علیه السیئ و جاز أمره- إلا أن یکون سفیها أو ضعیفا.

است، پس با ضمیمه کردن روایات به این آیات، می‌توان نتیجه گرفت که صبیّ قبل از بلوغ و استیناس
رشد، محجور از تصرفات مالی است.

این روایات عبارتند از:

۱. روایت حمزة بن حرمان:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ عَنْ حَمَزَةَ بْنِ
حُمْرَانَ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام قُلْتُ لَهُ: مَتَى يَجِبُ عَلَى الْغُلَامِ أَنْ يُؤْخَذَ بِالْحُدُودِ
التَّامَّةِ وَتُقَامَ عَلَيْهِ وَيُؤْخَذَ بِهَا فَقَالَ: إِذَا خَرَجَ عَنْهُ الْيْتِمُ وَأَدْرَكَ قُلْتُ: فَلِذَلِكَ حَدُّ يُعْرَفُ بِهِ؟ فَقَالَ:
إِذَا احْتَلَمَ أَوْ بَلَغَ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً أَوْ أَشْعَرَ أَوْ أَنْبَتَ قَبْلَ ذَلِكَ أُقِيمَتْ عَلَيْهِ الْحُدُودُ التَّامَّةُ وَأُخِذَ
بِهَا وَأُخِذَتْ لَهُ قُلْتُ: فَالْجَارِيَةُ مَتَى تَجِبُ عَلَيْهَا الْحُدُودُ التَّامَّةُ وَتُؤْخَذُ لَهَا وَيُؤْخَذُ بِهَا؟ قَالَ: إِنْ
الْجَارِيَةُ لَيْسَتْ مِثْلَ الْغُلَامِ إِنْ الْجَارِيَةُ إِذَا تَزَوَّجَتْ وَدَخِلَ بِهَا وَلَهَا تِسْعُ سِنِينَ ذَهَبَ عَنْهَا الْيْتِمُ وَ
دَفِعَ إِلَيْهَا مَالُهَا وَجَازَ أَمْرُهَا فِي الشَّرَاءِ وَالْبَيْعِ وَأُقِيمَتْ عَلَيْهَا الْحُدُودُ التَّامَّةُ وَأُخِذَ لَهَا بِهَا قَالَ وَ
الْغُلَامُ لَا يَجُوزُ أَمْرُهُ فِي الشَّرَاءِ وَالْبَيْعِ وَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْيْتِمِ حَتَّى يَبْلُغَ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً أَوْ يَحْتَلِمَ
أَوْ يُشْعِرَ أَوْ يُنْبِتَ قَبْلَ ذَلِكَ^۱.

✓ الخصال، ج ۲، ص ۴۹۵:

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ تَرْطُيٍّ عَنْ أَبِي
الْحُسَيْنِ الْخَادِمِ بِنَاغِ اللُّؤْلُؤِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلَهُ أَبِي وَأَنَا حَاضِرٌ عَنِ الْيْتِيمِ مَتَى يَجُوزُ أَمْرُهُ قَالَ حَتَّى يَبْلُغَ
أَشَدَّهُ* قَالَ وَمَا أَشَدُّهُ قَالَ الْإِحْتِلَامُ قَالَ قُلْتُ قَدْ يَكُونُ الْغُلَامُ ابْنَ ثَمَانَ عَشْرَةَ سَنَةً أَوْ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ وَلَا يَحْتَلِمُ قَالَ إِذَا بَلَغَ وَكُتِبَ عَلَيْهِ الشَّيْءُ جَازَ
أَمْرُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ سَفِيهَا أَوْ ضَعِيفًا.

✓ الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۷، ص ۶۸:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى [عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى] عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ هِشَامٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: انْقَطَعَ يَتِيمٌ بِالْإِحْتِلَامِ وَهُوَ أَشَدُّهُ وَ
إِنْ احْتَلَمَ وَلَمْ يُؤْتَسْ مِنْهُ رُشْدٌ وَكَانَ سَفِيهَا أَوْ ضَعِيفًا فَلْيُمْسِكْ عَنْهُ وَلِيَّهُ مَالُهُ.

✓ تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، ج ۹، ص ۱۸۲:

عَنْ [عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ] عَنْ مُحَمَّدٍ وَأَحْمَدَ ابْنَيْ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِمَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلْبِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
سَأَلَهُ أَبِي وَأَنَا حَاضِرٌ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشَدَّهُ قَالَ الْإِحْتِلَامُ قَالَ فَقَالَ يَحْتَلِمُ فِي سِتِّ عَشْرَةَ وَسَبْعَةَ عَشَرَ وَنَحْوَهَا فَقَالَ إِذَا
أَنْتَ عَلَيْهِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً وَنَحْوَهَا فَقَالَ لَا إِذَا أَنْتَ عَلَيْهِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً كُتِبَتْ لَهُ الْحَسَنَاتُ وَكُتِبَتْ عَلَيْهِ السَّيِّئَاتُ وَجَازَ أَمْرُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ
سَفِيهَا أَوْ ضَعِيفًا فَقَالَ وَمَا السَّوْفِيُّ فَقَالَ الَّذِي يَشْتَرِي الدَّرْهَمَ بِأَضْعَافِهِ قَالَ وَمَا الضَّعِيفُ قَالَ الْأَبْلَهُ.

۱. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۷، باب حَدِّ الْغُلَامِ وَالْجَارِيَةِ اللَّذَيْنِ يَجِبُ عَلَيْهِمَا الْحُدُودُ تَامًا، ح ۱، ص ۱۹۷.

مرحوم کلینی این روایت را از استادش محمد بن یحیی نقل می‌کند که جلیل المنزله و ثقه است. احمد بن محمد هم معمولاً ابن عیسی است و گاهی هم مراد ابن خالد است که هر دو ثقه هستند. حسن بن محبوب هم ثقه است اما عبد العزیز العبدی^۱ تضعیف شده و حمزة بن حمران^۲ هم توثیق ندارد. بنابراین سند روایت ناتمام است هرچند بعید نیست بگوییم این روایت مورد توجه مشهور بوده است.

حمران بن اعین می‌گوید از امام باقر علیه السلام پرسیدم: چه زمانی حدود تامه بر پسر بچه واجب می‌شود و بر او اقامه می‌شود؟ حضرت فرمودند: هرگاه از یتیم خارج شود و درک کند. عرض کردم: آیا برای آن حدی است؟ فرمودند: هرگاه پسر محتلم شود یا به پانزده سال برسد یا صورت او و یا عانه‌اش مو دریاورد، حدود تامه بر او یا به نفع او جاری می‌شود. عرض کردم دختر بچه چه زمانی حدود تامه بر او و نیز به نفع او جاری می‌شود؟ حضرت فرمودند: همانا دختر بچه مانند پسر بچه نیست، دختر بچه هرگاه ازدواج کند و مدخول^۳ بها باشد و نه سال داشته باشد، یتیم از او برداشته شده و مالش به او دفع می‌شود و امرش در خرید و فروش نافذ است و حدود تامه بر او یا به نفع او جاری می‌شود. حضرت فرمودند: پسر بچه امرش در خرید و فروش جایز نیست و از یتیم خارج نمی‌شود تا این که به پانزده سالگی برسد یا این که محتلم شود و یا این که صورت یا عانه‌اش مو دریاورد.

دلالت این روایت بر بطلان عقد صبی^۴ واضح است و تصریح می‌کند که خرید و فروش صبی^۵ قبل از بلوغ نافذ نیست (الْغُلَامُ لَا يَجُوزُ أَمْرُهُ فِي الشَّرَاءِ وَالْبَيْعِ)، الا این که سند روایت ناتمام است و برای ما به تنهایی حجّت نمی‌باشد.

والحمد لله رب العالمین

تقریر: جواد احمدی

۱. رجال النجاشی، ص ۲۴۴:

عبد العزیز العبدی کوفی، روی عن ابي عبد الله عليه السلام، ضعيف، ذكره ابن نوح. له كتاب يرويه جماعة. أخبرنا أبو العباس أحمد بن علي قال: حدثنا الحسن بن حمزة قال: حدثنا ابن بطّة قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن عبد العزيز بكتابه.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۴۰:

حمزة بن حمران بن أعين الشيباني روی عن ابي عبد الله [عليه السلام] و أخوه أيضا عقبه بن حمران روی عنه. له كتاب يرويه عدة من أصحابنا أخبرنا أحمد بن عبد الواحد بن أحمد البراز قال: حدثنا أبو القاسم علي بن حبشي بن فوني، قال: حدثنا حميد بن زياد قراءة قال: حدثنا القاسم بن إسماعيل قال: حدثنا صفوان بن يحيى عن حمزة بكتابه.